

رضا پهلوی در اسرائیل: گامی دیگر در نزدیکی به راست افراطی؟



مهرداد درویش پور

پیش از این بارها نوشتم که صدای سوم - پروژه دموکراسی خواهی و صلح و امنیت در ایران و منطقه - از جمله در مرزبندی با بنیادگرایی اسلامی از یکسو و ملیتاریسم و جنگ طلبی برخی قدرت های خارجی از سوی دیگر معنا می یابد. گرچه در متن قطبی شدن فضای سیاسی، صدای سوم ممکن است به حاشیه رانده شود، با این همه آن را مطلوب ترین و کم هزینه ترین راه دست یابی به دموکراسی و صلح و امنیت می دانم. در جریان تظاهرات اخیر ایرانیان خارج از کشور که شاهد نزدیکی سلطنت طلبان با احزاب نژادپرست در سوئد و بلژیک و... شدیم، در یکی از سخنرانی های خود در استکهلم (که همزمان با تظاهرات ما، تظاهرات دیگری را سلطنت طلبان با همکاری حزب نژادپرست سوئدسازمان داده بودند) تاکید کردم برای ما صدای سوم به این معنان است که نه در مبارزه علیه جمهوری اسلامی مایل به همسویی با راست افراطی و نژادپرست غرب هستیم و نه برای مبارزه علیه نژادپرستی و راست افراطی در غرب همسویی با اسلام گرایان را درست می دانیم. پس از آن هم نقد خود را به همراهی و دیدار رضا پهلوی با نمایندگان احزاب نژادپرست سوئد و بلژیک بیان کردم و نسبت به آن هشدار دادم. پس از خروج تلویحی و فاصله گیری رضا پهلوی از ائتلاف شش نفره (یا هشت نفره؟) - به دلیل پذیرفته نشدن مشارکت تعدادی از سلطنت طلبان افراطی مورد حمایت او - نگرانی خود را از این اقدام و نزدیکی دوباره رضا پهلوی به فرسگردی ها و راست افراطی و اولتراناسیونالیست در میان سلطنت طلبان و تشدید تمایل او به تحکیم اقتدار فردی خود همچون "رهبر" ملت ایران را ابراز کردم. برخی اما ضمن اشاره به وجود گرایش لیبرال دموکراتیک در پاره ای از نظرات او و بخشی از هوادارانش، این هشدارها را غلو آمیز دانسته یا "عیب جویی" و خصمانه تلقی کردند. حال آن که بی آنکه هرگز برخورد شخصی یا توهین آمیزی کرده باشم نگرانی سیاسی خود را از ابزار قدرت های خارجی شدن و هرگونه نزدیکی به راست افراطی در میان دیگر جبهه های سیاسی (همچون نقد خود به نزدیکی برخی دیگر به قدرت حاکم را) مورد نقد قرار دادم.

دیدار رضا پهلوی از اسرائیل - به رغم تمام انتقادهایی که به نحوه استقبال نه چندان با شکوه از او و نمایش مذهبی گونه او در "دیوار ندبه" بیان شده است - برای من از منظر چرخش به راست بیشتر و تلاشی دیگر در تحکیم اقتدار فردی قابل بررسی است. او که پیشتر در اغلب کنش های سیاسی - و به عریان ترین شکل

در ماجرای وکالت - اشتیاق خود را برای نماینده مردم ایران معرفی شدن در دیدار با مقامات خارجی بیان کرده بود، شاید می پنداشت توثیق 8 نفره و منشور شش نفره تنها به گسترش مشروعیت و تحکیم موقعیت فردیش منجر خواهد شد. اما با عقب نشینی از برخی مطالبات ناسیونالیستی اقتدارگرایانه در این منشور و موج انتقادات از سوی هواداران افراطی که حضور او را در این منشور ضربه ای بر اقتدارش می دانستند بار دیگر با خروج تلویحی یا فاصله گیری خود تلاش کرد موقعیت فردی خود را همچون "رهبر" تحکیم کند.

او در سفر به اسرائیل مدعی شد پیام صلح و دوستی مردم ایران را می خواهد منتقل کند. یعنی به عریانی خود را نماینده مردم ایران معرفی کرد. فراتر از آن او که گویی خود را رهبر ایران می داند خواست مسائل پس از گذار از جمهوری اسلامی نظیر آب و غیره را نیز در گفتگو با نماینده افراطی ترین گرایش در اسرائیل - که با تظاهرات صدها هزار نفره مخالفان در انزوا و موقعیت منززل قرار گرفته - حل و فصل کند.

روشن است که اغلب مردم ایران و دمکراسی خواهان جز به بهبود روابط ایران و اسرائیل که بهترین ضامن صلح و امنیت در منطقه می باشد، نمی اندیشند. همچنین جز نژادپرستان یهودی ستیز در غرب، این تنها جمهوری اسلامی و بنیادگرایان اسلامی هستند که هولاکوست را انکار می کنند. با این وجود استقبال از صلح و دوستی با مردم اسرائیل و همدردی با قربانیان هولاکوست ربطی به نزدیکی به راست افراطی در اسرائیل که علاوه بر نقض فاحش حقوق فلسطینی ها بارها خواستار حمله نظامی به ایران شده است و هنوز اگر امریکا اجازه دهد در آن کوتاهی نخواهد کرد، ندارد. رضا پهلوی در پی شکست تحکیم اقتدار خود در پروژه منشور 6 نفره با این اقدام کوشید نشان دهد که موقعیت او نه تنها تضعیف نشده است، بلکه با استقبال دولت افراطی در اسرائیل از او تحکیم هم شده است. هواداران و شیفتگان او البته با تمام قدرت از نزدیکی او به راست افراطی حمایت می کنند. از آن سو جمهوری اسلامی و هوادارانش نیز از منظر یهودی ستیزی یا اسرائیل ستیزی به او حمله میکنند. برای طرفداران دمکراسی اما همچنان رویکرد سوم بهترین و موثرترین راه برای گذار به دمکراسی از طریق نه گفتن به جمهوری اسلامی و به ملیتاریسم و مداخله خارجی برای تعیین سرنوشت مردم ایران است

فیسبوک نویسنده